





# جایگاه اشتباه در نظام حقوق کیفری ایران

تالیف  
احمد صفری

ویراستار  
میلاد حسین تبار

انتشارات قانون یار

۱۳۹۵

سرشناسه	: صفری، احمد، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: جایگاه اشتباه در نظام حقوق کیفری ایران / تألیف احمد صفری
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۳۷-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: آرای حقوقی -- ایران
موضوع	: Judgments -- Iran
موضوع	: اشتباه قضایی -- ایران
موضوع	: Judicial error -- Iran
موضوع	: قاضیان -- ایران -- خطای شغلی
موضوع	: Judges -- Iran -- Malpractice
موضوع	: حقوق جزا -- ایران
موضوع	: Criminal law -- Iran
شناسه افزوده	: حسین تبار، میلاد، [ ویراستار ]
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ص ۲/۱۷۸۷ KMH
رده بندی دیویی	: ۵۵۰۷۷/۳۴۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۶۹۷۰۷

## انتشارات قانون یار

### جایگاه اشتباه در نظام حقوق کیفری ایران

تألیف: احمد صفری

ویراستار: میلاد حسین تبار

ناشر: قانون یار

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت نسخه الکترونیکی: ۸۰۰۰ تومان

قیمت نسخه چاپی: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۳۷-۴

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

## فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۹.....	فصل اول
۹.....	بررسی و شناخت انواع اشتباه
۲۳.....	فصل دوم
۲۳.....	بررسی عناصر اشتباه موضوعی
۴۹.....	فصل سوم
۴۹.....	جایگاه اشتباه در رویه قضایی
۶۵.....	فصل چهارم
۶۵.....	رابطه اشتباه به امر قانونی
۸۵.....	فصل پنجم
۸۵.....	دفاعیات ناشی از شرایط خاص روانی
۹۷.....	فصل ششم
۹۷.....	بررسی مطالعه تطبیقی در این راستا
۱۰۵.....	فصل هفتم
۱۰۵.....	جنون و مستی به عنوان عوامل رافع مسئولیت در رویه قضایی
۱۲۳.....	جمع‌بندی کلی
۱۲۵.....	منابع و مآخذ
۱۲۷.....	قرآن کریم
۱۲۷.....	نهج البلاغه
۱۲۷.....	۱- فارسی



## مقدمه

اشتباه، مبین ناهمخوانی است. مرتکب به گونه‌ای فکر می‌کند و جامعه در کل، به نحوی دیگر. جامعه اصرار دارد که دیدگاهش صحیح است، نتیجه مجرمانه واقعا رخ داده و بزه‌دیده حقیقتاً صدمه دیده است. متهم ادعا می‌کند که او به گونه دیگر بر مسئله می‌نگریسته و همچون سایر مردم به حقیقت امر واقف نبوده است. به عقیده وی، او هیچ کار خلافی انجام نداده و یا لاقلاً خلاف به آن شدت که به نظر می‌رسد انجام نداده است. ممکن است به عقیده دیگران او به سمت یک مامور حافظ صلح تیراندازی کرده و او را مجروح نموده باشد، ولی از دید مرتکب ممکن است موضوع، به گونه‌ای دیگر جلوه کند.

۱- ممکن است تمرین تیراندازی می‌کرده و فکر کرده که دارد به سمت یک ماکت مقوایی مامور حافظ صلح شلیک می‌کند.

۲- ممکن است، تصور می‌کرده که مامور حافظ صلح یک مامور خصوصی است. حال آنکه در واقع افسر بین‌الملل بوده است.

۳- ممکن است، تصور می‌کرده که مامور یک شهروند معمولی است که به او حمله‌ور شده و او باید در قالب دفاع مشروع از خود دفاع کند.

۴- ممکن است، تصور می‌کرده که مامور فاسد است و این وظیفه اوست که افسر را دستگیر کرده و از این رو ابتدا وی را ناتوان می‌سازد.

هنگام تیراندازی مرتکب به افسر پلیس هر کدام از این تصورات اشتباه ممکن است در ذهن او وجود داشته باشد. حال آنکه در واقع او، مرتکب قتل یک مامور حافظ صلح با لباس فرم آبی رنگ شده است. برخی از این تصورات، مخصوصاً تصور تیراندازی به ماکت کاغذی سبب می‌شود که او به لحاظ اخلاقی نسبت به ایراد جراحات بی‌گناه دانسته شود و از این رو به اتهام شروع به قتل تحت تعقیب قرار نگیرد. سایر تصورات، چون تصور اینکه افسر پلیس فاسد است و این وظیفه مرتکب است که به وی شلیک کند، بیشتر مشکل‌ساز هستند. اشتباه از ریشه شبه و در لغت به معنی مانند شدن و یا چیزی یا کسی را به جای چیزی یا کسی گرفتن آمده



است.<sup>۱</sup> و آن عبارت است از تصور خلاف انسان از واقع، چندان که امری را موجود و یا موجودی را موهوم بیندارد.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۹۷، به نقل از، علی اکبر، دهخدا، لغت‌نامه

<sup>۲</sup> - همان



# فصل اول

بررسی و شناخت انواع اشتباه



اشتباه در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری نیز مطرح می‌شود. ماده ۳۲ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری در دو بند به بحث پیرامون اشتباه می‌پردازد.<sup>۱</sup> به هر حال با بررسی مختصر اساسنامه و توجه به نظام حقوق کیفری داخلی کشورها روشن می‌شود که برخی از اشتباهات مسئولیت کیفری را رفع می‌کند، حال آنکه برخی دیگر اینگونه نیستند. اشتباه از آنجا که تاثیری در عالم خارج نمی‌گذارد جزو علل رافع مسئولیت شمرده می‌شود. به دیگر سخن، در اشتباه عمل ارتكابی به قوت خود باقی مانده است.

### الف) اشتباه در مکان

برای صدور حکم محکومیت متهم به یک جرم، دادستان باید ثابت کند که جرم در داخل یک ایالت یا در داخل حوزه قضایی دادگاه ارتكاب یافته است.<sup>۲</sup>

برای محکوم ساختن یک فرد، بنا به قوانین ایالت کالیفرنیا، دادستان کالیفرنیا، جز در موارد استثنایی باید ثابت کند که جرم در آن ایالت واقع شده است.<sup>۳</sup> فرض کنید که تیراندازی به افسر پلیس در ایالت کالیفرنیا به وقوع پیوسته، ولی مرتکب ادعا می‌کند که وی تصور می‌کرده او و افسر پلیس در داخل قسمت حوزه قضایی نوادا در دریاچه تاهو<sup>۴</sup> قرار دارند، دریاچه تاهو در مرز دو ایالت کالیفرنیا و نوادا و در ۳۷ کیلومتری شمال غربی شهر رنو، ایالت نوادا قرار دارد.

<sup>۱</sup> - Albin Eser, *Mental Elements – Mistake of Fact and Mistake of Law*.

<sup>۲</sup> - دادگاهها گاه به جای این مسئله (صلاحیت محلی) بر اساس ملیت متهم یا بزه‌دیده احراز صلاحیت می‌کنند. (ماده ۷ قانون مجازات آلمان). دادگاههای آلمان همچنین بر اساس صدمه به منافع ملی آلمان (ماده ۵) و صلاحیت جهانی برای برخی جرایم که وابستگی جهانی دارند (ماده ۶) اعمال صلاحیت می‌کند. (بنا به مواد ۳ الی ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، دادگاههای ایران بر اساس صلاحیت سرزمینی (ماده ۳)، صلاحیت سرزمینی عینی (ماده ۴). صلاحیت واقعی (ماده ۴)، صلاحیت شخصی مثبت (ماده ۷) و صلاحیت جهانی (ماده ۸)، احراز صلاحیت می‌کنند. برای ملاحظه توضیح و تبیین این موارد ر.ک. به: عباس زراعت، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، صص ۲۰-۲۳ همچنین در مواد ۵۱-۵۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۷۱) قواعد راجع به صلاحیت محلی و موارد مشابه بیان شده است)

<sup>۳</sup> - جورج، پی، فلچر، منبع پیشین، ص ۲۵۵.

<sup>۴</sup> - Lake Tahoe



یک قسمت از دریاچه تاهو جزو ایالت کالیفرنیاست و قسمت دیگر به ایالت نوادا تعلق دارد. متهم در قسمت مربوط به ایالت کالیفرنیا مرتکب جرم شده، ولی ادعا می‌کند که «فکر» می‌کرده در قسمت مربوط به ایالت نوادا به سمت افسر پلیس شلیک کرده است. آیا این اشتباه بجاست؟ متاسفانه خیر، مهم آن است که چه انجام شده، نه آنکه متهم فکر می‌کرده آن کار را کجا انجام می‌دهد.

### ب) اشتباه در مصونیت

فرض کنید که کارمند یک سفارت‌خانه تصور می‌کند که به خاطر شغلش، از مصونیت سیاسی در قبال جرایم ارتكابی برخوردار است. از این رو، در حال مستی رانندگی می‌کند، ولی واقعیت امر چیز دیگری است و کارکنان در آن سطح از مصونیت بهره‌مند نیستند. آیا این اشتباه بجاست؟ خوشبختانه خیر. ما به دنبال آنیم که آیا وی واقعا مصونیت داشته یا خیر، نه اینکه تصویری داشته است. وجود این اشتباهات نابجا، ما را وامی‌دارد تا قواعدی برای اشتباهات بجا طرح‌ریزی کنیم. برآستی علت چیست که برخورد ما با اشتباه در مکان و اشتباه در تشخیص یک انسان به عنوان هدف و ماکت کاغذی با یکدیگر متفاوت است؟ ارسطو که اشتباه را در زمره علل رافع مسئولیت کیفری می‌دانست، دیدگاه خود در باب اشتباهات بجا را قاعده‌مند کرده بود. وی معتقد بود که اشتباهات بجا اختیار انتخاب در عمل را از مرتکب سلب می‌کند. اگر شخص نداند که هدف او یک انسان است، دیگر نمی‌توان گفت که او با اختیار خود وی را هدف گرفته است. اصل بر این است که در صورت ارتكاب غیرارادی عمل شخص مسئول و سرزنش‌پذیر دانسته نمی‌شود.<sup>۱</sup>

برای اعمال این اصل در موارد فرضی فوق، باید سوال خود را از نو مطرح سازیم: چه هنگام غیرارادی بودن عمل، سبب از بین رفتن مسئولیت مرتکب می‌شود؟ اشتباه درباره

<sup>۱</sup> - Aristotle, Nichomachean Ethecs 1135a-1137a.



مکان (کالیفرنیا و نه نوادا) نمی‌تواند هیچ نقشی، نه در تصمیم مرتکب و نه در عمل انجام شده، داشته باشد. ضرب و جرح و قتل در هر ایالتی که باشد جرم است. اشتباه درباره مصونیت نسبتاً متفاوت خواهد بود. رانندگی در حال مستی برای همه، چه دیپلمات و چه مردم عادی، خطا محسوب می‌شود. ولی اشتباه در اینجا برانگیزه مرتکب در نقض قانون تاثیر داشته است. او ممکن است مدعی شود که اگر از امکان تعقیب کیفری در رده خود آگاهی داشت، هیچ‌گاه قوانین رانندگی را نقض نمی‌نمود.<sup>۱</sup> اگر اشتباه در امری ماهوی باشد، مثل اشتباه در تشخیص انسان به عنوان یک ماکت کاغذی، تردیدی نیست که اشتباه صورت گرفته در ارزیابی ما از مسئولیت مرتکب موثر خواهد بود، ولی اشتباه در امور شکلی، مثل اشتباه در صلاحیت دادگاه یا مصونیت از تعقیب، تاثیر کمی بر مسئولیت مرتکب در قبال ارتکاب جرم خواهد داشت.

ادعای راننده مست، همچون ادعای یک قاتل زنجیره‌ای در مدت مرور زمان قتل است. هیچ کدام از این اشتباهها به لحاظ اخلاقی قانع‌کننده نیستند. قانون مجازات آلمان عامل موقوفی تعقیب خاصی برای جرم سرقت در درون اعضای خانواده پیش‌بینی کرده است.<sup>۲</sup> این جرایم قابل گذشت بوده و تنها با شکایت شاکی قابل تعقیب هستند. شاید کسی استدلال کند که عضویت بزه‌دیده در خانواده مرتکب از شدت جرم می‌کاهد، ولی دیدگاه بهتر آن است که بگوییم: سرقت همان سرقت است، ولی خانواده در اینجا جایگزین نظام کیفری می‌شود و در گام نخست، این نظام خانواده است که باید پاسخ‌گویی به این مشکل را بر عهده بگیرد. از این رو، اگر متهم مال را به تصور اینکه متعلق به یکی از اعضای خانواده است بریاید و بعد معلوم شود که متعلق به شخص دیگری است، اشتباه وی ربطی به خطای موجود در سرقت نخواهد داشت.<sup>۳</sup> تحلیل عملی این ماده از قانون آلمان نشان می‌دهد که این ماده کاملاً کیفیات مژده؟؟

<sup>۱</sup> - به نقل از همان: ص ۲۵۶.

<sup>۲</sup> - StGB & 247 . Cf. Code Penal & 380. به نقل از همان

<sup>۳</sup> - A. Eser in Schonke/Schroder, & 247 , note 13 Cited in: A. Eser GP Cit.p.890.

اشتباه در مناسب است، ولی اخیراً یک پرونده در آمریکا به ما نشان داد که چگونه قضاوت صحیح می‌تواند دست خوش ملاحظات سیاسی گردد. دومین مورد فرضی در موارد طرح شده در ابتدای این مبحث را در نظر بگیرید: «مرتکب تصور می‌کرده که بزه‌دیده یک مامور خصوصی است، حال آنکه در واقع وی یک مامور بین‌المللی بوده است.» فرض کنید که ضرب و جرح یک افسر بین‌المللی که بزه‌شدگی باشد که قابل محاکمه در دادگاههای بین‌الملل است. آیا موقعیت افسر بر درجه خلاف نیز تاثیر می‌گذارد یا تاثیر آن در همان حد صلاحیت دادگاههای بین‌الملل باقی می‌ماند؟ این مسئله در پرونده ایالات متحده علیه فتولا<sup>۱</sup> مطرح گشت. متهمان برای ضرب و جرح اشخاصی که آنها را نمی‌شناختند و در حقیقت ماموران لباس شخصی فدرال بودند، تباری<sup>۲</sup> نموده بودند. قبل از قضاوت درباره اصل اتهام تباری، ابتدا باید بررسی می‌شد که آیا جهل در مورد هویت افسر فدرال، بر جرم موضوع تباری، یعنی «ضرب و جرح مامور فدرال» تاثیر می‌گذارد یا خیر. قاضی استوارت<sup>۳</sup> و قاضی داگلاس<sup>۴</sup> استدلال نمودند که بی‌تردید این جرم ماهیتاً ضرب و جرح شدید است و از این رو جهل نسبت به شرایط مشدده در ارزیابی تقصیر مرتکب تاثیر خواهد داشت. با این همه، اکثریت قضات. در نظریه خود که قاضی بلکمن<sup>۵</sup> آن را تحریر می‌نمود، استدلال کردند که «عنصر فدرال» در این جرم مرتبط با صلاحیت دادگاه است، چنانکه لازمه تشکیل جرم «سرقت

<sup>۱</sup> - United States v. Feola.

<sup>۲</sup> (۱۹۷۵) ۶۷۱ U.S. ۴۲۰ - به نقل از همان، ص ۲۵۷

<sup>۳</sup> - Conspire.

<sup>۴</sup> - Justice Stewart.

<sup>۵</sup> - Justice Douglas.

<sup>۶</sup> - توجه داشته باشید که با وجود کارکرد نسبتاً یکسان جهل و اشتباه این دو با یکدیگر متفاوتند. در جهل هیچ علمی ندارد، ولی در اشتباه تصویری وجود دارد که با واقعیت امر مطابقت نمی‌کند. در زبان انگلیسی نیز، این تفاوت با mistake (اشتباه) و ignorance (جهل) بیان می‌شود. البته گاه مسامحتاً این دو اصطلاح به جای یکدیگر به کار می‌روند.

<sup>۷</sup> - Justice Blacmun.



فدرال»، معامله اموال مسروقه است.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد که بلکمن تاثیر اشتباه در خلاف تیراندازی به ماموران فدرال را پذیرفته، ولی در نتیجه گیری متناقض خود این نکته را اعمال نمی‌کند.<sup>۲</sup> اگر این گونه اشتباهات می‌توانست مسئولیت مرتکب را تضعیف کند، هدفی سیاسی زیر سوال می‌رفت؛ چرا که کنگره، همیشه از کارکردهای پلیس فدرال حمایت می‌نمود. این تدبیر آکنده از زبان بازی به خوبی نشان می‌دهد که چطور، دادگاه به سادگی ممکن است عدالت خواهی را قربانی اهداف کوتاه مدت سیاسی بنماید.

### ه) اشتباه در رضایت

سردرگمی در مورد تعیین دامنه اشتباهات بجا، بنا بر اصول سیاست، همیشه وجود داشته است؛ مخصوصاً در آمریکا که دادگاهها به علت تعارض میان عدالت خواهی و ضروریات سیاسی ضربه زیادی خورده‌اند. یک نمونه خوب در این زمینه محاکمه ما یک تیسون<sup>۳</sup> مشتزن مشهور، در ژوئیه ۱۹۹۱ است. وی متهم بود که به دزایی واشینگتون<sup>۴</sup> که در یک قرار ملاقات دوستانه، به ملاقات او در هتل رفته بود، تجاوز به عنف کرده است. تیسون ادعا نمود که او رضایت داشته است. واشینگتون می‌گفت که او «نه» گفته بوده است. این محاکمه بهانه خوبی به دست فیمینیستها داد که به درستی اصرار داشتند که اگر زنی به اختیار خود، آخر شب به ملاقات مردی در هتل می‌رود، این بدان معنی نیست که به رابطه جنسی رضایت داده است. با این همه، ممکن بود که تیسون بر این «باور» بوده است که او رضایت داشته است.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>-Id.at 672. See United states v. Crimmins, 123 F.2d 271 (2d Cir . 1941). ص 258 به نقل از همان منبع

<sup>۲</sup>- همان .

<sup>۳</sup>- Mike Tyson

<sup>۴</sup>- Desiree Washington

<sup>۵</sup> - اشارات دیگری نیز از رضایت وجود داشت. همچون تأکید واشینگتون بر استفاده تیسون از کاندوم و قرار داشتن وی در بالا هنگام رابطه جنسی. در رابطه با تحلیل این مسئله و سایر حقایق مربوط ر.ک.به:

31-120, 117, 114-115 with Justice for Some at 114-15, 117, 120-31. به نقل از همان، ص 259



به عبارت دیگر، حتی اگر رضایت هم نداشته است، لااقل می‌توان گفت که تایسون در مورد تمایل زن به رابطه جنسی اشتباه می‌کرده است، ولی اهمیت سیاسی فرستادن این پیغام به مردان که «نه یعنی نه» و اینکه نباید رضایت جنسی زنان را مفروض بگیرند، سبب شد تا استدلال‌ات مربوط به تأثیر ادعای اشتباه تایسون در ارزیابی مسئولیت کیفری وی به خاطر اجبار به رابطه جنسی نادیده گرفته شود. پیام‌رسانی به مردم و اجرای عدالت در این پرونده بخصوص، بیانگر وجود اهداف متمایز و متعارض در محاکمات کیفری است. اولی رو به آینده دارد و دومی به دنبال یافتن حقیقت در حادثه منحصر به فردی است که قبلاً به وقوع پیوسته است. حکم هیأت منصفه باید میان این دو ملاحظه عینی، آشتی برقرار می‌کرد. آنها می‌توانستند به مردم اعلام کنند که «نه یعنی نه» و در همان حال، مسئله شخص متهم را به عنوان علت رافع مسئولیت کیفری تجاوز به عنف در نظر می‌گرفتند.

اگر زنی در واقع رضایت نداشته باشد، متحمل تعرض جنسی خلاف قانونی شده که «تجاوز به عنف» نام می‌گیرد، ولی این بدان معنی نیست که یک متهم بخصوص - فردی که در جایگاه متهم ایستاده - باید به اتهام تجاوز به عنف مسئول شناخته شود. اگر متهم در زمان ارتکاب عمل دیوانه بوده، پاسخگو نخواهد بود و به همین ترتیب، باید پذیرفت که اگر متهم اشتباه صادقانه و منطقی درباره رضایت زن داشته باشد، مسئول شناخته نخواهد شد.

برخلاف این دیدگاه معقول درباره بجا بودن اشتباه تایسون، دادگاه از ارائه ی توصیه در این زمینه به هیأت منصفه خودداری ورزید. هیأت منصفه حتی در صورت احراز: «باور صادقانه و منطقی»<sup>۱</sup> مایک مبنی بر رضایت دزایی، باز هم هیچ راهی برای تبرئه وی نمی‌یافت. با کمال تعجب، دادگاه فرجام ایالت ایندیانا هم تصمیم دادگاه مبنی بر عدم ارائه مشاوره به هیأت منصفه درباره ملاک ارزیابی، اشتباه تایسون را تأیید نمود. بسیاری از دادگاهها با مسئله اشتباه،

<sup>۱</sup> - Honest and reasonable belief.





همین گونه برخورد می‌کنند و بخصوص در موارد «تجاوز به عنف قانونی»<sup>۱</sup> اشتباه منطقی مرتکب، درباره سن دختر را نادیده می‌گیرند.<sup>۲</sup> این لغزش ایشان، بسیار اسف‌انگیز است. قبول اشتباه «صادقانه و منطقی» متهم جمع مناسب دو هدف عینی متضاد در محاکمه است: صحه گذاشتن بر یک اصل (نه یعنی نه) و اجرای عدالت در یک پرونده بخصوص.

### (و) اشتباه حکمی

اصطلاح «مسئولیت مطلق»<sup>۳</sup> در حقوق جزا اشاره به در نظر نگرفتن اشتباه یا اتفاقی است که بنا به اصل باید مؤثر در مسئولیت کیفری متهم باشد. نمونه بارز این دسته از جرایم در حقوق ایران بزه کشیدن چک بلامحل است.<sup>۴</sup> به عبارت دیگر، هرگاه با اشتباه «بجا» همانند اشتباه «نابجا» برخورد شود، مسئولیت مطلق فرض شده است. اگر بگوییم دادگاه ایالتی ایندیانا به مایک تاپسون، مسئولیت مطلق بار نمود، سخن به گزاف نگفته‌ایم. به هر حال، صحیح نیست که عدم تأثیر اشتباه در مکان و مصونیت را موجب مسئولیت مطلق بدانیم؛ چرا که این دسته از اشتباهات با ملاک نخست ما سازگار نیستند.

ضرب‌المثل «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست»<sup>۵</sup> در بسیاری از سیستم های حقوقی ریشه دوانده است، به طوری که اشتباه در این گونه موارد مؤثر در مسئولیت و تقصیر دانسته

<sup>۱</sup> - Statutory rape.

تجاوز به عنف قانونی یعنی نزدیکی با دختران یا پسران کمتر از یک سن خاص (مثلاً ۱۸ سال). علت تجاوز قلمداد شدن این اقدام آن است که قانونگذار در اینجا عدم رضایت را فرض کرده و امکان اثبات خلاف آن را هم نپذیرفته است.

<sup>۲</sup> - برای ملاحظه نمونه برای این مسئله ر.ک. به:

Regina v. Prince, L.R. 2 Cr. Cas. Res. 154 (1875).

و یک پرونده که در آن به صورت صحیح عمل شده:

People v. Hernandez 61 Cal 29 529, 393 P.2d 673. 39 Cal. Rptr.361 (1964).

به نقل از همان، ص ۲۶۰

<sup>۳</sup> - Strict liability

<sup>۴</sup> - حسین، میرمحمد صادقی، حقوق کیفری اختصاصی، (جرایم عالیه اموال و مالکیت)، میزان، —

<sup>۵</sup> - Ignorance of the law is no excuse.

نمی‌شود. در نتیجه، رویه عدم توجه به اشتباه حکمی (جهل حکمی) ممکن است در بدو امر به عنوان نوعی «مسئولیت مطلق» به نظر نرسد. در پرونده هاپکینز علیه ایالت<sup>۱</sup>، یک کشیش به علت ارتکاب بزه قانونی پست کردن اعلامیه دعوت از زوجین برای ازدواج، مسئول شناخته شد، هر چند مدیر کل دادستانی<sup>۲</sup> ایالت به او گفته بود که پست کردن این گونه اعلامیه جرم محسوب نمی‌شود.

هیچ کس منکر آن نیست که در مواردی از این دست، دادگاهها، بدون توجه به تقصیر مرتکب در نقض قانون، اقدام به صدور حکم محکومیت می‌کنند. اگر اصطلاح «تقصیر»<sup>۳</sup> صرفاً به معنای «قصد نقض قانونی» معنی شود، تردیدی وجود ندارد که هاپکینز مقصرانه عمل کرده است. با این همه محدود ساختن تقصیر به قصد، مشکل ما را حل نمی‌کند. آیا صدور حکم محکومیت برای کسی که براساس توصیه حقوقی مقام ظاهراً ذی صلاح عمل کرده، عادلانه است؟

اگر «بزهکار» هرآنچه در توانش بوده، برای تعیین قانونی بودن رفتاری چون پست کردن اعلامیه خدمات ازدواج، انجام داده باشد، صدور حکم محکومیت کیفری عادلانه و منصفانه نخواهد بود. در این رابطه، قانون مجازات ۱۹۷۵ آلمان، در ماده ۱۷ خود مقرر می‌دارد:

«اگر مرتکب در زمان انجام عمل مجرمانه نمی‌دانسته که او کار خطایی (unrecht) انجام می‌دهد، مقصر نخواهد بود، به این شرط که اشتباه، غیرقابل اجتناب باشد. اگر مرتکب می‌توانسته از این اشتباه اجتناب کند، از میزان مجازات ممکن است کاسته شود.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - Hopkins v. State; 193 Md.489, 69 A.2d 456 (1950).

<sup>۲</sup> - The Attorney General.

<sup>۳</sup> - Culpability

<sup>۴</sup> - کاهش میزان مجازات با توجه به ماده ۴۹(۱) قانون فوق خواهد بود که ترتیبی را برای کاهش حداقل مجازات قانونی لحاظ کرده است. به عنوان نمونه، تقلیل یکسال حبس به سه ماه.



قانون جزای نمونه نیز، در مواردی که شخص براساس توصیه مقام رسمی عمل کرده و بعداً عدم صحت آن توصیه آشکار می‌شود، دفاعی را پیش‌بینی کرده است. ماده (۳) ۲۱۰۴ مقرر داشته است:

«باور اینکه رفتار به لحاظ قانونی جرم نیست، می‌تواند با لحاظ شرایط زیر، دفاع در مقابل تعقیب محسوب گردد:

الف - قانون یا سایر مصوباتی که جرم را تعریف می‌کند، برای مرتکب شناخته شده نباشد، یا منتشر نشده باشد، یا در غیر این صورت به شکل منطقی دیگری، قبل از انجام عمل، در اختیار فرد قرار نگرفته باشد.

ب - شخص با تکیه بر اظهار نظر حقوقی یک مقام رسمی، عمل نموده باشد که عدم صحت و نادرستی آن بعداً مشخص شود. این اظهار نظر، باید در یکی از موارد ذیل آمده باشد: ۱- قانون یا سایر مصوبات ۲- تصمیم، نظر و یا حکم قضایی؛ ۳- دستورالعمل اجرایی<sup>۱</sup> یا اجازه‌نامه<sup>۲</sup> ۴- تفسیر رسمی یک مقام دولتی یا گروهی که به لحاظ قانونی وظیفه تفسیر، اعمال یا اجرای قانون تعریف کننده جرم را به عهده دارند.»

تفاوت میان این دو ماده، روشن‌گر تفاوت ساختاری حقوق آلمان و حقوق آمریکا، در حل مسائل مربوط به مسئولیت کیفری است. این قاعده در آلمان کلی بوده و حکایت از یک اصل دارد: اگر شخص به صورت غیرقابل اجتناب، راجع به قانونی بودن رفتار، در اشتباه باشد، قابل سرزنش نخواهد بود. قاعده آمریکایی (باید به یاد داشته باشیم که قانون جزای نمونه، صرفاً یک توصیه برای اصلاحات حقوقی است) خاص بوده و پاسخی پر از جزئیات، به موارد روشن ناعدالتی، همچون پرونده هاپکینز، محسوب می‌شود. در آنجا متهم به صورت منطقی به «تفسیر یک مقام رسمی» یا مدیرکل دادستانی آن ایالت اعتماد کرده بود. بنابراین، هاپکینز احتمالاً

<sup>1</sup> - Administrative order.

<sup>2</sup> - Grant of permission.

می‌توانسته از «دفاع» توصیه شده در قانون جزای نمونه استفاده کند، ولی دقت کنید که در قانون جزای نمونه، هیچ اشاره‌ای به این نمی‌شود که چرا اصولاً اتکا بر تفسیر یک مقام رسمی، مانع محکومیت کیفری می‌شود؟ قانون‌نویسان، اشاره نکرده‌اند که عدم توجه به اشتباهات حکمی، منجر به مسئولیت مطلق می‌شود و یا به نحوی دیگر منافی اصول عدالت است. در نتیجه، قانون‌نویسان از انتقال بار اثبات این دفاع جدید، هیچ تردیدی از خود نشان نداده‌اند. ماده (۴) ۲/۰۴ قانون جزای نمونه.<sup>۱</sup>

نظریه غالب در باب اشتباه حکمی، هنوز هم در بند این جرم‌اندیشی قدیمی است که، همه باید از قانون مطلع باشند و جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست.<sup>۲</sup> در مراحل نخست گسترش حقوق جزا که سیاهه جرایم، محدود به نقض شدید و روشن رفتار خلاف اخلاق بود، می‌شد فرض کرد که همه از قانون مطلعند. اگر کسی خطا بودن قتل یا تجاوز به عنف را درک نمی‌کرد، برای قابل قبول جلوه دادن این ادعا، باید بیماری روانی خود را به اثبات می‌رساند. در زمانه‌ای که قوانین کیفری، آکنده از جرایم اقتصادی فنی است، حتی آگاهترین بازرگانان هم حق دارند تا نسبت به قانون دو دل باشند.

رویه عدم توجه به اشتباهات حکمی، تا حد زیادی ریشه در ملاحظات سیاسی خاصی دارد که دیوان عالی آمریکا را بر آن داشت تا در پرونده فتولا اعمال مسئولیت مطلق کرده و اشتباه، در موقعیت بزه‌دیده به عنوان افسر فدرال را نادیده بگیرد. عدم قبول علل رافع مسئولیت کیفری، همیشه با استناد به ملاحظات سیاسی و نفع‌گرا صورت می‌گیرد. دادگاهها از سانی که تظاهر به اشتباه حکمی می‌کنند در هراسند. آنها می‌اندیشند که با محکوم ساختن یک فرد

<sup>۱</sup> - برای ملاحظه نحوه اعمال پیچیده ماده (۳) ۲/۰۴ قانون جزای نمونه در ایالات ر.ک. به:

American Law Institute, Model Penal Code and Its Commentaries & 2.04(3) at 268-280 (1985). به نقل از همان

ص 263.

<sup>۲</sup> - محمدعلی، اردبیلی، منبع پیشین، ص ۱۰۰

بی‌گناه، دیگران را وادار می‌سازند تا بهتر از گذشته، به الزامات حقوقی خویش واقف شوند. برخی از نویسندگان به این استدلال نادرست انتزاعی استناد می‌کنند که اگر اشتباه حکمی پذیرفته شود، در حقیقت اجازه داده‌ایم که هر کس، خودش، قانون را مشخص کند<sup>۱</sup>، ولی قطعاً قبول اشتباه حکمی، به عنوان یکی از علل رافع مسئولیت موجب قانونی شدن رفتار نخواهد شد. این اشتباه، فقط یک علت رافع مسئولیت است و بس: در آن فقط، تقصیر مرتکب به خاطر رفتار خلاف و غیرقانونی انکار می‌شود.

تا کنون باید روشن شده باشد که اتخاذ یک اصل، برای دست و پنجه نرم کردن با مسئله اشتباه، کار دشواری است. این دشواری در قانون جزای نمونه، به خوبی به چشم می‌خورد. همان‌گونه که ملاحظه شد، این قانون رویکردی اصولی به اشتباه حکمی اتخاذ نکرده است. علاوه بر این، قانون‌نویسان به مسئله اشتباه موضوعی پرداخته‌اند و این امر مهم را بر دوش قانونگذاران ایالتی گذاشته‌اند تا درجه «تقصیر» عناصر هر جرم را خود مشخص نمایند. هنگامی که قانونگذار، در تمامی جرایم مشخص نماید که چهار حالت ذهنی - علم، قصد، آگاهی، بی‌احتیاطی یا غفلت - چه ارتباطی با عناصر مادی هر جرم دارند، می‌توان مسئله اشتباه را حل شده فرض کرد. اشتباه، صرفاً از بین برنده عنصر روانی جرم معرفی شده است. از این رو ماده (۱) ۲/۰۴ قانون جزای نمونه بیان می‌دارد:

«جهل یا اشتباه، به موضوع یا حکم، در صورتی می‌تواند یک دفاع باشد که (الف) جهل یا اشتباه، از بین برنده علم، قصد، آگاهی، بی‌احتیاطی یا غفلت لازم برای تشکیل عنصر مادی جرم باشند.»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - See Jermoe Hall, General Principles of Criminal Law 383 (2d ed. 1960)

<sup>۲</sup> - قسمت (ب) این ماده می‌گوید: «جهل یا اشتباه به موضوع یا حکم، در صورتی می‌تواند دفاع باشد که (الف) ... (ب) قانون آن حالت روانی متأثر از جهل یا اشتباه را به عنوان یک دفاع شناخته باشد». این بند به وضوح زائد است.



این رویکرد به مسئله اشتباه، به دلایلی چند خدشه‌دار است. نخست آنکه، انتظار حل مشکلی نظری و فلسفی از سوی قانونگذار، انتظاری عبث و غیر واقع‌بینانه است. تمایز میان اشتباهات بجا و اشتباهات نابجا، در عمق خود، مسئله‌ای فلسفی است و نمی‌توان آن را از جمله مسائلی دانست که قانونگذار بتواند به سادگی و با اراده خود آن را حل نماید. علاوه بر این، قانونگذار جزای عمومی، با برابر دانستن تمام اشتباهات مربوط به عنصر مادی جرایم، در حقیقت از تفاوت ساختاری مهم میان انواع مختلف عنصر مادی غافل مانده است. در واقع، قانونگذار اصطلاح «عنصر مادی» را شامل تمام امور ماهوی، در مقابل عناصر شکلی می‌داند.<sup>۱</sup> قانون‌نویسان به نوع عنصری که اشتباه به آن مربوط می‌شود، هیچ توجهی نکرده‌اند. همان‌گونه که خواهیم دید، بسته به آنکه اشتباه ملازم عنصر تعریف جرم، عنصر اسباب اباحه و یا عنصر علل رافع باشد، تفاوت‌های فوق‌العاده‌ای در مسئله ایجاد خواهد شد.

بنابراین اشتباهات را در دسته اشتباهات موضوعی و اشتباهات حکمی بررسی خواهیم کرد. که هر یک به نوبه خود بر سه دسته جزئی تقسیم می‌شود.

<sup>۱</sup> - ماده (۱۰) ۱/۱۳ قانون جزای نمونه: «عنصر مادی یک جرم» یعنی عنصری که منحصرأ به مرور زمان، صلاحیت و حوزه صلاحیت دادگاه مربوط نشده یا به سایر مسائل مشابهی که با (۱) صدمه می‌باشد ملازم با رفتار، که بنا بوده با قانون تعریف کننده جرم از آن پیشگیری شود یا (۲) اسباب یا علل رافع مسئولیت کیفری برای آن رفتار، مرتبط نیستند، مربوط نباشد.

## فصل دوم

### بررسی عناصر اشتباه موضوعی

